

## بسیار خواندنی است.

چندی پیش، مطلبی در باره علیرضا نوریزاده در اینترنت پخش شد و اشاراتی به شرح احوال نوریزاده در رابطه با همکاری با بیگانگان مطرح شد. اشاره ای بود به دخالت بیگانگان و همکاری گروهی که با دریافت «بسته» و کوپن خورد و خوراک به واشنگتن سفر کرده و خود را در کنفرانسی بنام «گذار به دموکراسی برای ایران» (نقل به مضمون) شرکت کرده بودند...

استاد امیرفیض از میان سنگر های منتشر شده پیشین که مربوط به سال ۱۳۸۰ (۲۵۴۰ ایرانی = ۲۰۰۱ میلادی) می شود و در برگ های ۵ تا ۷ سنگر شماره ۳۳۶+۳۳۲ آمده است را به من فکس کرده اند که در اینجا باهم میخوانیم.

در آخر این نوشته لینک هایی هست که معاشقه و لاس زدن های تاریخی علیرضا نوریزاده را نشان می دهد بادقت به آن بخش نگاه کنید و ببینید او و همکارانش در کدام لایه زندگی می کنند. و چه ضررهایی با همکاری یک عده نادان برای مبارزه فراهم کرده اند.

ح-ک

...))

## آن چیزی که زنان به دنبالش هستند توی شلوار من است - (علیرضا نوریزاده)

در فکر این بودم که تفسیری و تحلیلی از نقش بانوان در شورش ۵۷ و تکلیفی که شرافت و تاریخ نهضت آنان در مقابلشان گشوده است در سنگر بگذارم تا شاید گوشه هایی از بازتاب وسیع پیام اعلیحضرت به زنان ایران را باز گو کند.

دروادی این فکر بودم که از کجا شروع کنیم که نامه یکی از ایران یاران مقیم مونترال رسید که محتوای دانستنی هایی بود از جمله رابطه نجات آذربایجان با سید الشهدا که انشا الله بموقع به استحضار ایرانیاران خواهد رسید. دانستنی دیگری که بسیار با اهمیت است، و سبب گردید که این تحریر جایگزین تحریق نقش بانوان در شورش ۵۷ و تکلیف تاریخی و میهنی آنان در این زمان گردد.

### نوشته هفته نامه ایرانشهر ۲۱ فروردین ماه سال جاری (۱۳۸۰) در باره سازمان سیرا -

نوشته مزبور از سوی یکی از اعضای هیئت مدیره سازمان سیرا به یکی از اعضای هیئت مدیره سازمان سیراست که در مفهوم اعتراضی است به هیئت مدیره سیرا بمناسبت بی اعتنایی به منافع ایران و ایرانی، تیترا این مقاله اعتراضی چنین است:

]] «تجزیه ایران به ما مربوط نیست»

آن چیزی که زنان به دنبالش هستند در شلوار من است (علیرضا نوریزاده) [[

قسمت اول عنوان مقاله «تجزیه ایران به ما مربوط نیست» در رابطه با اظهارات وزیر خارجه آمریکا است که از تجزیه احتمالی ایران صحبت کرده که در نیویورک تایمز مورخ ۱۶ مارچ (۲۰۰۱) درج شده است و در واکنش به این اظهارات وزیر خارجه آمریکا و اعتراض اینکه چرا سازمان سیرا اعتراضی در این مورد ننموده سازمان سیرا جواب داده؛ «تجزیه ایران به ما مربوط نیست».

اجازه بفرمایید این موضوع در تحریر دیگری مورد نقد و بررسی قرار گیرد و این تحریر اظهارات علیرضا نوریزاده سر دبیر واقعی کیهان لندن و عامل جمهوری اسلامی و دستیار سعید امامی تخصیص یابد.

### [آن چیزی که زنان به دنبالش هستند توی شلوار من است – علیرضا نوریزاده]

ابتدا به متن هفته نامه ایرانشهر یعنی قسمتی از نامه آقای فرامرز منصور یکی از اعضای هیئت مدیره سیرا به هیئت مدیره رجوع می کنیم و بعد به اتفاق اعتراض موجه و لازم را مطرح می نمایم.

بقیه ما برگ چغندر بودیم! به طوری که من در همان جا اعتراض کردم که «پس من و دیگر افراد حاضر که با این سخن مورد توهین قرار گرفته ایم چه؟» همان گونه چنین شیوه های مرکز «سیرا» در عدم برخورد در مورد اهانت سایر میهمانان دعوت شده، به ایرانیان است که در مود احمد شاملو هم در کنفرانس مرکز «سیرا» در سال ۱۹۸۹ هم صادق بوده است (لطفاً به نامه ی ضمیمه من که در سال ۱۹۹۵ به «سیرا» ارسال شده رجوع کنید) – ایرانشهر هفتگی شماره ۱۲۴ جمعه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۸۰ – ((

(( واینک پرسش های من از شما: واپسین روز آپریل سال گذشته، زمانی که مهمان دعوت شده ی شما، علیرضا نوریزاده در حضور شما، و بر سر میز غذای مهمانی «سیرا» با این جمله اش به زنان توهین کرد و گفت: «آن چیزی که زنان به دنبالش هستند توی شلوار من است»، بازتاب شما چه بود؟ آیا به خاطر این توهین به زنان طی نامه ای به او تذکر دادید؟ چرا اعضای دیگر «سیرا» هیچ عکس العملی نشان ندادند؟ و فقط روز بعد سر میز صبحانه گفتید «سخن نوریزاده خجالت آور بود، چون در حضور همسر دکتر رضائی ادا شد» ظاهراً فقط «دکتر رضائی» برای شما اهمیت داشت و

اظهارات علیرضا نوریزاده (سردبیر واقعی کیهان لندن) نیاز به تفسیر و توجیه ندارد. بی شرافتی این اظهارات او چنان امواجی را از هیجان و ناراحتی ایجاد می کند که هر مقاوم و بی اعتنایی را خرد می کند.

هرقدر که بنده بخواهم به ارزیابی مبارزه با بانوان پردازم حق مطلب ادا نخواهد شد، همینقدر اشاره کافی است که اگر مردانی هم مبارزه می کنند تداوم مبارزه آنان مرهون موافقت خانم هایشان با ادامه مبارزه است. مبارزه ایجاد محرومیت می کند چه از نظر اجتماعی و چه مالی. تحمل این محرومیت ها بیش از اینکه مرد را آزار دهد همسران مردان مبارز را به تنگنا می کشد، فرزندان را دچار مشکلات می سازد. بسیاری از خانم ها با کمک همسرشان به ادامه مبارزه مردان امکان می دهند. نامی از خودشان در میان نیست و در واقع شریک اول مبارزه همسرانشان هستند. و برخی مستقیماً پا به پای مردان و حتا خیلی بیشتر از مردان بارزیم غاصب اسلامی مبارزه کرده و میکنند.

زندان های ایران پر از زنانی است که در مخالفت با رژیم اسلامی به عذاب و شکنجه و تجاوز جنسی گرفتارند. مادرانی که در مقابل چشمانشان فرزندان آنها را شکنجه می دهند، زنانی که به کرات و بطور مداوم مورد تجاوز جنسی زندان بانان رژیم قرار میگیرند. آیا این ها برای آن چیزی که در شلوار نوریزاده است مبارزه می کنند؟؟!

آیا شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار (وکیل دادگستری) که در زندان های رژیم گرفتارند و مقاومت می کنند برای آن چیزی که در شلوار نوریزاده است مبارزه می کنند؟؟

خانم مینو ثقفی که ۲۰ سال است یک تنه با مخالفین رژیم سلطنتی ایران مبارزه می کند و بارها گرفتار شتم و ضرب و جرح عوامل جمهوری اسلامی در خارج از کشور شده اند و حاصل این تهاجمات بصورت بیماری درمان ناپذیر به جان و روح ایشان اثر گذاشته است برای آن چیزی که در شلوار نوریزاده است مبارزه میکند؟

خانم نزهت یحیی زاده که یک گلوله آتش گداخته از مبارزه علیه رژیم اسلامی است و کیهان لندن هم از حرارت آن آتش مصون نمانده بدنبال آن چیزی است که در شلوار نوریزاده است؟؟

آیا بانوان، میرافشار، ناطق، هما احسان و نظایر ایشان بدنبال آن چیزی که در شلوار نوریزاده است مبارزه می کنند؟؟

سرکار خانم شیرین نشاط (فرزند شادروان سرلشگر نشاط) که هر سال به همت ایشان مراسم زنده یاد جانبختگان آرتش شاهنشاهی انجامی میگردد و در این مراسم خاطره فداکاری ها و جانبازی ها و وفاداری های جان باختگان آرتش شاهنشاهی بوسیله کثیری از شخصیت ها زنده و گرامی میگردد برای رسیدن به آن چیزی که در شلوار نوریزاده است این تلاش های میهنی و افتخارآمیز را دنبال می کنند؟؟

آیا انجمن زنان ایرانی میهن پرست شمال کالیفرنیا و سازمان زنان ایران (سزا) برای دست یافتن به چیزی که در شلوار نوریزاده است مبارزه می کنند؟؟

چقدر کسی باید احمق و رذل باشد که آن چیزی که ملاها جرات بیان ندارند آنرا بنام خودش بگوید.؟

این اولین باری نیست که نوریزاده به ایرانیان توهین می کند، گرچه اهانت به بانوان و با چنان الفاظی که اشاره شد حتا در قاموس و فرهنگ هیچ کشوری و مردم بی سرو بی پای آن دیده نمی شود ولی نباید فراموش کرد که نوریزاده بهر مناسبتی که پیش آید و فرصتی به دستش بدهند به ایرانیان آزاده و خاصه مخالفین رژیم اسلامی اهانت میکند.

همین سال گذشته بود که نوریزاده در سالن دانشگاه (یوسی ای) که در زمینه حمایت از خاتمی برای عده ای صحبت می کرد مردم لس آنجلس را به افرادی تشبیه کرد که در قهوه خانه وسط راه تمدن بزرگ جا مانده اند و دارند چرت می زنند. (صبح ایران شماره ۳۳۹۳)

آقای سیروس شرفشاهی؛ در پاسخ به اهانت نوریزاده به ایرانیان لوس آنجلس نوشت: «مردم این شهر هوشیار ترین مبارزان علیه وحشی ترین حکومت های جهان هستند و از پریدن مگسی در آسلمان تهران مطلع می شوند»

آقای شرفشاهی، مردم هوشیار، مطبوعات هوشیاردارند؛ متصدیان نشریات هوشیار هستند یک مدیر هشیار، آگاه و کسی که نوریزاده را می شناسد تا چه رسد به مگسی که در تهران پرواز می کند آنقدر نمی نویسند --دکتر علیرضا نوریزاده همکار ما--، اگر سرکار نوریزاده هارا می شناختید و مردم لس آنجلس هم مبارزانی هشیار آنطور که سرکار تصویر کشی می کنید بودند نوریزاده جرات چنین اهانتی را به مادر و خواهر شما و همه ایرانیان مخالف رژیم نداشت. شما که می دانید دنبال آن چیزی که در شلوار نوریزاده است چیست؟

لا بد به رغم نوریزاده که زنان بدنبال آن چیزی هستند که در شلوار نوریزاده است، مردان هم برای رسیدن به چیز دیگری که در شلوار او است مبارزه می کنند!!؟

هیچ آخوند قشری، یک لات سرگذر چاله میدان این چنین فحاشی ها و زشت گویی ها را نکرده است که سردبیر واقعی روزنامه کیهان لندن یعنی نوریزاده به بانوان توهین کرده است.

### نوشته های نوریزاده در کیهان لندن

تمام نوشته ها و مصاحبه های نوریزاده دستوری است، یعنی از ناحیه وزارت اطلاعات رژیم اسلامی به او دستور داده می شود و خود او هم کسی است که به این دستور گیری و اطاعت محض عادت دارد. اجازه بفرمایید این مطلبی که عرض شد ابتدا ثابت شود و بعد نتیجه ای که از آن منظور است ارائه گردد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - نوریزاده نه تنها دستورات وزارت اطلاعات رژیم را اجرا می کند بلکه چون عضو یک فراماسونی انگلیسی و کارمند Centre for Arab & Iranian Studies می باشد از آنها حقوق دریافت می دارد، او مدتی برای بی بی سی، برای دویچه وله، برای صدای آمریکا، و برای دیگر روزنامه های تحت کنترل انگلستان مثل الشرق الاوسط کار میکند و دستورات آنها را مو به مو اجرا می کند. او بتازگی (۲۰۱۰) به نو کان های آمریکایی نزدیک شده است. ح-ک

بهترین دلیل تشریح عادت و وضع روحی او توسط خود او است که چگونه دستوری است و عادت دارد که بادستور دیگران بنویسد و یا ننویسد. با اتفاق به اظهارات او نگاه می کنیم؛ نوشته زیر را نوریزاده در مجله امیدایران که سردبیرش بود در تاریخ دو شنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۸ نوشته است.

((... سردسته ماموران جلو آمد، گفتم میدانم بازداشت هستم، گفت بله ما از سوی فرمانداری نظامی برای بازداشت، شما آمده ایم، گفتم اجازه بدهید یک تلفن بزنم... تلفنچی را گرفتم و گفتم خانه آقای هادی را بگیرد. تلفن چی میدانست منظور من از آقای هادی خانه امام در نوفل لوشاتو پاریس است؛ چون روزی سه یا چهار بار این خانه را میگرفت و من ضمن صحبت با آقای هادی، قطب زاده، بنی صدر گاهی آقای اشراقی، و یکی دوبار آقای فردوسی، و... دستورالعمل آن روز را می گرفتم که چه بنویسم. چه مسئله ای را بزرگ کنم (سنگر = آتش سوزی سینما رکس آبادان را به ساواک نسبت بدهم) کدام مطلب منشره از سوی خیرگزاری هارا تکذیب کنم و کدام را تایید کنم از طرفی با همین تلفن خبرهای مهم تهران را بصورت بولتن گویا تنظیم میکردم و راس ساعت ده و نیم تهران، هفت صبح پاریس و هشت تهران و چهار ونیم عصر پاریس برای نزدیکان امام در پاریس می خواندم...))

### حیرت بفرمایید از تکرار برنامه ها و خامی ها

در آن زمان یعنی مرداد ماه سال ۱۳۵۸ که نوریزاده چنین ماموریتی را انجام میداد مامور شخص خمینی در روزنامه اطلاعات بود، و امروز هم مامور مخصوص و شخصی خاتمی در روزنامه کیهان لندن. نوریزاده در سال ۵۸ بدستور خمینی و ایادی او می نوشت و دروغسازی میکرد و امروز به دستور خاتمی و ایادی او آنچه را که آنها می خواهند می نویسد و بوسیله روزنامه کیهان و مصباح زاده به خورد مردم می دهد و متأسفانه روزنامه های ماهم دانسته و یا ندانسته بخش های مهمی از نشریات خودشان را به روایت های این مامور مخصوص خاتمی و ملاهای کلاهی وزارت اطلاعات رژیم اختصاص می دهند و اثر این ندانمکاری همان است که زمینه باور و گرایش عمومی به نوشته های او فراهم می شود و مردم گرفتار، اگر از چاهی که امثال نوریزاده ها تعبیه کرده اند در آیند به چاه دیگری که همین نوریزاده ها کنده اند خواهند افتاد.

کوتاه شده تحریر فوق در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۸۰ با استدعای درج برای روزنامه های صبح ایران و عصر امروز ارسال شده است...))

=====

نوریزاده در حال معاشقه و لاس زدن در روی اینترنت.



برای آشنایی بیشتر با نوریزاده به این تارنما و این نوشته ها و ویدئو نگاه کنید

<http://1400years.org/Nourizadeh2.asp>

<http://1400years.org/audio/nourizadeh-opencamera.wmv>

<http://1400years.org/Nourizadeh1.asp>

<http://1400years.org/nourizadeh3.asp>